



## نگرشی بر اسطوره ایزد باران ( تیشتر ) در باورهای بومی ایرانیان

زهره شیخی \*

دانشجوی دکتری رشته تاریخ ایران قبل از اسلام دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات

\*دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات

### چکیده

فولکور هر قوم و ملتی، آباستن باورها، آیین ها و اسطوره هایی است که آرزوها، بیم ها و امیدهایشان در آن تجسم می یابد؛ اسطوره ها و آیین هایی که هر یک ویژگی ها و مختصات خاص خود را دارند برگزار می نمایند و مراسم های آیینی که مربوط به باران خواهی است که در اغلب مناطق ایران با کمی تفاوت و با وجه مشترک انجام می گردد. تمامی این مراسم ها در تمنای باران بوده است که بیانگر ناتوانی انسان در مقابل قوای طبیعت می باشد. مراسم باران خواهی در ایران که خاستگاه آن بیشتر در مناطق کم باران و خشک است که خود این مراسم قداست آب و نیاز زیاد ایرانیان به باران را می رساند. نمایش های باران خواهی که به گونه های متفاوتی انجام می گردد پایه عرصه های اجتماعی گذاشته و به نوعی تسکین بخش روحیه و فراتر از آن جامعه، می باشد. مردم همیشه به ویژه کشاورزان چشم بر آسمان دارند و منتظر نزولات آسمانی بوده اند؛ از آن جا که زمین مهم ترین بخش زندگی کشاورزان است، برای به دست آوردن آن متوسل به آیین های نمایشی باران خواهی می شوند که به نوعی یادآوری اسطوره ها و نمادهای آب و باران است. فولکورو نمود اسطوره ایزد باران (تیشتر) در هر منطقه ای متفاوت است. در این پژوهش به معرفی نمود اسطوره ایزد باران (تیشتر) در برخی از نقاط ایران پرداخته شده است. در این مقاله از روش کتابخانه ای و توصیفی-تحلیلی بهره برده شده است.

**کلید واژه:** ایزد تیشتر، خشکسالی، باران خواهی، مراسم، باورهای بومی ایرانیان



## مقدمه

واژه اسطوره در زبان پارسی برگرفته از واژه عربی الاسطوره و الاسطیر به معنای روایت حدیثی است که اصلی ندارد. (بهار، ۱۴۰۰: ۳۴۳) همچنین اسطوره از واژه یونانی هیستوریا به معنی جستجو، آگاهی و داستان است. برخی نیز اسطوره را از واژه میتوس (Mythos) به معنی «شرح، خبر و قصه» می‌دانند و اصطلاح my thology برابر با اسطوره‌شناسی می‌باشد. (بهرامی، ۱۳۹۹: ۹) حوادثی که در اسطوره‌ها نقل می‌شود مانند داستان واقعی تلقی می‌گردد، زیرا به واقعیت‌ها ربط داده می‌شود و همیشه به دنبال منطقی می‌گردد. اسطوره‌ها از این جهت که دیدگاه‌های انسان را نسبت به خویشتن، جهان و آفریدگار بیان می‌کنند، دارای اهمیت هستند. اسطوره گذشته از توجیه جهان، توجیه نقش آدمی در آن نیز بوده است «اسطوره‌ها تقریباً هر فردی را که به نوعی با لذت‌های بی‌شمار و سحر افسونگر آن‌ها برخوردی داشته تحت تاثیر قرار می‌دهد. (دادور، روزبهانی، ۱۳۹۷: ۱۷) در زبان روزمره «اسطوره» در معنی «خیالی» و «غیر واقعی» به کار می‌رود و مشوق این کاربرد فرهنگ انگلیسی آکسفورد است که توصیف اسطوره را با این کلمات آغاز می‌کند: «روایتی که جنبه افسانه‌ای محض دارد...». این تلقی کاملاً "گمراه‌کننده و از آن‌چنین بر می‌آید که اسطوره‌ها را باید داستان‌های نیمه واقعی پنداشت که ممکن است راست یا دروغ باشند. اما منظور از «راست» دقیقاً چیست؟ آنچه که مهم‌تر از واقعیت یا صحت تاریخی است نقش مفهوم و معنای اخلاقی است که در اسطوره‌ها گنجانده شده است. (هینلز، ۱۳۹۷: ۲۴) اسطوره‌ها به مثابه پدیده‌های فرهنگی حامل بارهای معنایی - تاریخی هستند. از این رو آن‌ها گاه به نمادهایی از واقعیت‌های دوردست، یا نوعی حافظه جمعی تعبیر کرده‌اند که با گذشت زمان به تدریج بر ابهام و پیچیدگی‌شان افزوده می‌شود اما همواره کاربرد خود را در صیانت از گروهی از ارزش‌ها حفظ می‌کنند.

اسطوره‌ها برخاسته از کردارها و باورهای هستند که روزگاری برای انسان‌ها مقدس بوده و با حیات دنیوی و روحانی‌شان ارتباط جدایی‌ناپذیر داشته‌اند. این اعمال و اعتقادات طی سده‌ها و هزاره‌ها در فرهنگ‌های مختلف به اشکال گوناگون حفظ شده‌اند. (چالاک، مردادی: ۱۳۹۵) اسطوره را روایتی از تاریخ قدسی در نظر می‌گیرند و آن را مرتبط با حادثه‌ای قرار می‌دهند که در زمان ازلی اتفاق افتاده و جوهر و خمیرمایه اصلی دین است. (خواج‌گیر، دیگران: ۱۳۹۹) اسطوره‌ها همچنین می‌توانند پدیده‌های دنیای طبیعی، از قبیل حرکات خورشید، اوضاع جوی، قحط سالی و خشکسالی و توفان را در قالبی ماورا طبیعی تبیین کنند. بنابراین اسطوره‌ها به واسطه پیوندشان با الوهیت و مذهبی وجود دارند. آنها روایتگر موجودات مقدس - خدایان و قهرمانان - و پیوند آنها با موجودات فانی‌اند، و از این رهگذر، چارچوب نظام‌های عقیدتی را شکل می‌دهند. (گرین، ۱۳۹۸: ۱)

در دو مقاله‌ی احمدی بیرگانی (۱۳۹۷) به نام «ششه دالو نمادی از الهه آب و ایزد باران» در مجله فصل نامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین در سال ۱۳۹۷؛ در مقاله‌ی عظیم جباره ناصر و عارف فضل‌ی (۱۴۰۰) تحت عنوان «اسطوره باروری و



آیین های باران خواهی در لارستان» در نشریه فرهنگ و ادبیات عامه در سال ۱۴۰۰؛ در مقاله «اسطوره باروری آیین های باران سازی در کوهمره سرخی» مطالعه و تحقیق عظیم جباره ناصرو و سعید حسام پوردر نشریه فرهنگ و ادبیات عامه، به بررسی اسطوره ایزد باران (تیشتر) در باورهای بومی ایرانیان و آیین های باران خواهی پرداخته اند. در مقالاتی مانند «سه رسم کهن ازدیاد آب و طلب باران» پژوهش سهراب فرسیو (۱۳۸۱) و «مراسم طلب در حوزه کویری ایران» پژوهش ژیلامشیری (۱۳۹۲)، پژوهش محمدمیرشکرایی با پژوهشی تحت عنوان «کوسه گشنیز و عروسک های باران» در سال (۱۳۸۱) و پژوهش مریم نعمت طاووسی با عنوان «رمزگشایی پاره های آیین های باران خواهی ایران» (۱۳۹۱) به معرفی مراسم باران خواهی بعضی از نقاط ایران پرداخته اند.

### ایزد تیشتر (باران):

تیشتر نام ایزد باران و نام ستاره باران است. صورت اوستائی آن تیشتریه، در پهلوی تیشتر و در فارسی تیر یا تشر و در بعضی فرهنگ ها به غلط بستر آمده و آن را میکائیل یاد کرده اند (عقیقی، ۱۳۹۳: ۴۷۴) تشر ستاره قلب الاسد است، ستاره ای که میان تابستان طلوع کرده و بر آسمان می درخشد تشرینی، نام دسته ای از ستارگان است که نزدیک تشر و از یاران او هستند. در متون نجومی تیشتر به عنوان دشمن در برابر تیر قرار می گیرد. تیشتریه ستاره روشنی است می توان گمان کرد که او جزء درخشان ترین ستارگان است، زیرا اهورمزدا او را به عنوان «رد و سرور همه ستارگان» قرار دارد. آنچه به ویژه ستاره ی تیشتر را متمایز می کند این است که او یکی از ستارگان «آب چهره» می باشد (مالاندر، ۱۳۹۳: ۱۸۵) یعنی یکی از ستارگانی که مسئولیت رساندن آب را (عمدتاً آب باران) به زمین بر عهده دارد. تیشتر از نیرومندترین ستارگان است. تیشتر از نیرومندترین ستارگان است. او را در وهله ی اول با جنبه ی های مختلف آب شناسی مرتبط می کند. از تیشتر یشت بر می آید که تیشتر از نقطه نظر پدیدارشناسی دینی، خدای طوفان های جوی نیست. هر چند با طلوع سالانه اش مصادف نیروهای طوفان برانگیز بود، اما به نظر می رسد که این خود تیشتر نیست که باعث نزول باران می شده است. نبردش با نیروهای شر که مانع بارش باران می شدند به تنهایی باعث به وجود آمدن شرایط مناسبی برای تولید باران می گشت. تشر فرشته باران و اپئوش دیو خشکسالی پیکار و مبارزه پر هیجانی را می گذارند و سرانجام او را شکست داده و آب های آسمانی را بر زمین فرو می ریزد. در تشریشت شرح مبارزه و چگونگی ظهور این ستاره آمده و یادآوری شده است که پس از دیدن تشر فوراً باران نمی بارد و مدت زمانی فاصله می باشد. در سه ده شب تشر به سه شکل در آسمان به پرواز در می آید و مبارزه او با دیو خشکسالی در کنار دریای فراخکرد صورت می گیرد در این مبارزه به سه شکل و ترکیب جسمانی آشکار می شود در ده شب اول به صورت جوانی بلند بالا، زیباروی با چشمانی درخشان در سن پانزده ساله، در ده شب دوم در ترکیب گاوی زرین شاخ و در ده شب سوم به صورت اسبی سپید با گوش ها و لگام زرین، و با همین ترکیب است که اپئوش دیو خشکسالی که به صورت اسب سیاه و بی یال و دم است به مبارزه بر می خیزد. مدت سه شبانه روز پیکار بین آنها در دریای فراخکرد در می گیرد در این پیکار اپئوش دیو خشکی



پیروز می شود و تشر به مسافت هزار گام عقب رانده می شود تشر که از این شکست اندوهگین است انتظار دارد که مردمان او را همچون دیگر ایزدان ستایش کنند تا نیروی جدیدی به دست بیاورد، اهورمزدا به او نیرو می دهد این نیرو به اندازه ده اسب، ده شتر، ده گاو، ده کوه، ده رود قابل کشرانی است. تشر بار دیگر به ترکیب اسبی سپید با گوش های زرین لگام در کنار دریای فراخکرد ظاهر می شود. اپئوش دیو خشکسالی همان ترکیب اسب سیاه بی یال و دم راه را بر او می بندد، پیکاری سخت در می گیرد در این پیکار تشر بر اپئوش پیروز می شود و او را هزار گام از دریای فراخکرد به دور می راند. تشر آوای شادی سر می دهد و از اینکه موجب شادمانی و نشاط موجودات اهورمزدا گردیده خرسند می گردد

دریا به جنبش در می آید و به یاری باد، مه را به طرف آسمان می برد و باران بر کشت زارهای هفت کشور زمین می بارد. مبارزه در اینجا پایان نمی پذیرد و ستارگانی که اهریمن آفریده است پیکار را دنبال می کنند. نبرد بین تیشتر و اپوش که سه روز به طول انجامید که این مدت پیش از بارندگی بود. (نیکوبخت و دیگران، ۱۳۹۱) و آته، ایزد همین بادی است که می وزد و او را به عنوان موجودی که ابرهای باران را می آورد، می پرستیده اند. ویو موجودی اسرارآمیزتر است که در ریگ و دای و «جان ایزدان» خوانده اند و ایرانیان، گویا او را دم حیات می دانسته اند که تا این دم را نگاه می دارد، سود بخش است، ولی آن دم که آن را باز می گیرد، دهشتناک خواهد بود. و آته ی باران آور را هرَوَتی آردوی سور یا همان سَرَسَوَتی سنسکریت همراهی می کرد که نامش به معنای «دارنده ی آب ها» ست و در قالب رودی اساطیری تشخیص می یافت که تصور می کردند از کوهی بلند در مرکز زمین، به دریایی بزرگ می ریخت؛ این دریا را به زبان اوستایی و توروکشه می خواندند که به معنای «دارنده ی خلیج های بسیار» است. رودهای دیگر از این دریا جریان می یابند و آب را به سرزمین های مختلف می برند. ابرها نیز همه ساله ها از فراخکرد بر می گیرند و تضمین این کار، وظیفه تیشتریه، ایزد باران است. (مری بویس، ۱۴۰۰: ۳۰) آنچه به ویژه ستاره ی تیشتر را متمایز می کند این است که او یکی از ستارگان «آب چهره» می باشد، (مالاندرا، ۱۳۹۳: ۱۸۵) یعنی یکی از ستارگانی که مسئولیت رساندن آب را (عمدتاً آب باران) به زمین بر عهده دارد. تیشتر از نیرومندترین ستارگان است. او را در وهله ی اول با جنبه ی های مختلف آب شناسی مرتبط می کند. از تیشتر یشت بر می آید که تیشتر از نقطه نظر پدیدارشناسی دینی، خدای طوفان های جوی نیست. هر چند با طلوع سالانه اش مصادف نیروهای طوفان برانگیز بود، اما به نظر می رسد که این خود تیشتر نیست که باعث نزول باران می شده است. نبردش با نیروهای شر که مانع بارش باران می شدند به تنهایی باعث به وجود آمدن شرایط مناسبی برای تولید باران می گشت. (مالاندرا، ۱۳۹۳: ۱۸۶) با پذیرش این نکته که تیشتر ستاره ای است که باعث آغاز فرایند باران سازی و کلاً ذخیره سازی منابع آبی می گردد و بدین ترتیب وجودش برای پیدایش غلات نیک و بهبود دام و چهارپا ضروری است. در بندهش آمده: در آغاز وقتی خرد پلید به ضد خرد مقدس ستیزه نمود تشر به یاری خرد مقدس برخاسته وی به راهنمایی ایزد برز و فروهر نیکان و یاری بهمن و ایزد هوم، سه ترکیب به خود گرفت، نخست به صورت مردی، دوم به شکل اسبی، سوم به قالب گاو نری، در آمد و مدت سی شبانه روز در میان



فروغ پرواز نمود و از ترکیب سه گانه خود مدت ده شبانه روز باران بارید ، و از اثر آن بارندگی به اندازه قد یک مرد ، آب در روی زمین بالا آمد ، جانوران مودی هلاک شدند ، آنگاه باد ایزدی وزیدن گرفته آنها را باقصری حدود زمین برد ، و از آن دریای فراخکرد پدید آمد . لاشه جانوران مودی در زمین بماند از آنها عفونت پدید آمد برای آن که زمین از زهر پاک شود و غیر پاک نمودن عفونت مانده بر زمین ، آب جهنده یا همان آب نجاست (پاره ۴۳) را نیز از بین می برد . (زرشناس و گشتاسب، ۱۳۸۹: ۱۰۴) دومین بار ، تشر به شکل اسب سفیدی با سم های بلند به سوی دریا شتافت ، دیو خشکی به صورت اسب سیاه با سم های گرد از پی او دوید و تشر را بیم و هراس انداخت .

تشر به یاری اهورمزدا زور ده اسب جوان ، ده شتر جوان ، ده گاو ورزای جوان ، ده کوه ، و ده رود به خود گرفت ، آنگاه دیو اپوش یک فرسخ دور گریخت و تشر او را یک هزار گام از دریا دور نموده و آب برگرفته و بهتر از پیش به بارید ، قطرات بزرگ و کوچک هریک به درشتی کله گاو و کله انسان فروبارید . در مدت این بارندگی دیوهای اسپنجروش یا سپینچگر و اپوش به ضد تشر کوشیدند آتش و از ریشه از گرز تشر شراره کشید و سپینچگر را هلاک نمود و از ضربت گرز ، خروشی از نهاد سپینچگر برخاست ، این خروش همان است که هنوز هم پیش از بارندگی از رعد شنیده می شود . آنگاه تشر در مدت ده شبانه روز باران فرو ریخت و چرک و زهر که جانوران مودی در روی زمین ماند با آب مخلوط شد و از آنست که آب شور پدید آمد .

غیر از اپوش دیو خشکی ، دسته ای از پری ها با تشر در زد و خورد هستند ، ولی شکست می یابند . رقیب دیگر تشر دژ یائیریه یا دیو قحطی و بدسالی است که در تشریش در زمره یکی از پری ها آمده و تشر به سبب مقاومت در برابر او مورد تقدیس قرار گرفته است . در مینوی خرد ، ستاره تشر از همه ستارگان مهتر و بهتر و ارجمندتر و رفاه جهان از او دانسته شده است . در گزیده های زاداسپرم آمده : « گسترش آفرینش با تشر اختر است که اختر چهارم و خدای آب است ، تشر فرشته آراینده و خدای ماه چهارم است . از این روی است که تیرماه ، چهارمین ماه سال است . تشر ، باد را به یاری خواست ، بهمن و هوم به راهبری و برز آبان ناف به همکاری و اردای فرورد به پیمان داری ، به گرد هم آورده شدند تشر به سه پیکر گشت که هست : مرد پیکر ، گاو پیکر و اسب پیکر ، به هر پیکری ده شب اندر روشنی پرواز کرد ، و سی شب باران را به نابود کردن خرفستران (= جانوران مودی) به هشت ، سرشکان (= قطرات) جدا جدا چون تشتی بزرگ بودند که بدان آب برداشته شود . در گات ها اسمی از تشر نیست ، در سایر قسمت های اوستا ( یسنا ۱۱/۱ ، ۲۲۷/۴/۱۶ ، یشت ۵/۱۸ ، ۷ ، و ندیداد ۳۷/۱۹) هر گاه به نام او بر می خوریم ، همیشه در کنار ایزدان و فرشتگان است . هر جا هم که از او یاد شده است ، منظور فرشته باران بوده است ، حتی در تفسیر فارسی خورشید نیایش به منزل باران تعبیر شده است ، دو صفتی که همیشه از برای تشر آمده اول رایومند و دومی فرهمند می باشد . ( یشت ها ۱ و ۲ ؛ ترجمه ابراهیم پورداود ؛ ۱۳۹۹ : ۲۵۷)

**ایزد تشر در باورهای بومی ایرانیان**



فولکور هر قوم و ملتی، آبستن باورها، آیین ها و اسطوره هایی است که آرزوها، بیم ها و امیدهایشان در آن تجسم می یابد؛ اسطوره ها و آیین هایی که هر یک ویژگی ها و مختصات خاص خود را دارند. فولکورو نمود اسطوره این ایزد در هر منطقه ای متفاوت است. در کوهمره سرخی در نواحی حومه شیراز واقع است. منطقه کوهمره یکی از کهن ترین مناطق مسکونی استان فارس است. اسناد و مدارک مکتوب و شفاهی موجود این ادعا را تایید می کند. در اقتصاد کوهمره سرخی از دیرباز مبتنی بر کشاورزی و دامداری بوده است؛ این امر سبب شده عناصر دخیل در باروری و کشاورزی مقدس شوند. به دیگر سخن، باورهای اساطیری مردم بازتابی از روش زندگی آن هاست.

در اسطوره باروری **منطقه کوهمره سرخی** در استان فارس دارای ۴ عنصر اصلی است:

الف) گاو ورز او به معنی گاو نر که در ترکیبات و اصطلاحات فرهنگ مردم، همواره سه ویژگی برای ورز او قابل هستند: زورمندی، جثه بزرگ و توان باروری و نرینه بودن آن. امروزه با وجود دستگاه های پیشرفته و مدرن، باز هم ورز او جایگاه بسیار مهمی در فعالیت های کشاورزی دارند و همچنان جایگاه خود را در باورهای بومی حفظ نموده اند. در تمدن گزارش شده هند تصاویری از ورز او ایستاده که متعلق به دره سند است به دست آمده است.

ب) تیشتر در باورهای بومی این منطقه در قالب بز نمود می یابد. در واقع بومیان منطقه به بزی که هنوز به مرحله زایش نرسیده، تیشتر می گویند. تیشتر در سنجش با دیگر حیوانات ارزش مقامی والایی دارد که توسط حلقه افسارمانندی که تیری نام دارد محکم به بند کشیده می شود تا از او محافظت کند. این موضوع نشان دهنده ی دارا بودن جنبه مادی این ایزد است که جنبه خدایی خود را از دست داده است. در باورهای مردمی بومی این منطقه اسطوره باران توسط قربانی های مردم قوت می گیرد و حتی اهورمزدا هم برای قدرت او قربانی می کند. اما در این اسطوره این منطقه، تیشتر خود قربانی شده تا مایه باروری و حیات شود. مردم این منطقه تیشتر (منظور بز است) را در سرچشمه آب قربانی می کنند تا بدین وسیله سبب افزونی آب و باروری و شکوفایی زمین شوند. در مراسم قربانی تیشتر در این منطقه، مراسم جنبه همگانی دارد و برای قربانی کردن تنها از تیشتر یاد می شود و از گاو و گوسفند ذکری به میان نمی آید و هر موقع خطر خشکسالی احساس می شود مردم قربانی می کنند.

ج) مراسم «کوسه کلی» که برای ایجاد باران در کوهمره انجام می شود.

د) مراسم «قدح رو برد» که این مراسم نشان دهنده ی ترس مردم از دیو خشکسالی و تلاش برای جلوگیری از وقوع آن است. ترس از خشکسالی تنها به این دلیل نیست که سبب مرگ و میر و نابودی انسان در اثر گرسنگی می شود، بلکه بدین سبب است که موجب پدید آمدن موجودات موزی و ترسناک می شود. (جباره ناصرو، حسام پور، ۱۳۹۵: ۳۸)

**در منطقه لارستان** که حد فاصل شهرستان های داراب، زرین دشت، جویم، اوز، گراش و لامرد قرار دارد، اسطوره باروری دارای رکن های مختلف می باشد. رکن اول آن که مانند منطقه کوهمره سرخی است ورز او یا همان هدیوش است



که در زندگی مردم خیلی مهم است. در این منطقه گاوی، ورز او نام داشت که قوی ترین و دارای چشمة عظیم بود، تا زمان شخم زدن زمین از چشم یکدیگر پنهان می کردند، اعتقاد داشتند اگر ورز او لاغر شود آن سال باران خوبی نخواهد بارید. دلیل پنهان کردن ورز او از دیدگاه مردمان در منطقه لارستان یاد آور حراست از گاو در آیین زردشت است. رکن دیگر در منطقه لارستان « ایندرا » است که در باور مردم این منطقه در قال ابرهای سیاه باران زاست. در باور مردم بومی لارستان، ایندرا ابرهای سیاه باعث باروری است. چهل پسینی در لارستان از نیمه دوم تیرماه شروع می شود و تا اواسط شهریور ادامه دارد و در چهل پسینی باران می آید. ایندرا در دو هیئت اساطیر ایرانی و هندی نمایان است که درباره هیئت هندی ایندرا در عقاید این مردم متأثر از رفت و آمد و تجارت مردم لارستان با هندوستان و انتقال بن مایه های اساطیری است. موارد ذکر شده که خویشکاری ایندرا در باور مردم لارستان و اساطیر شباهت های یکسانی وجود دارد. رعد و صاعقه به منزله ی جنگ افزار یکی از ویژگی های است که در باور مردم لارستان به ایندرا نسبت داده اند. این نکته نیز گفتنی است که ایندرا در باور مردم این منطقه برای آمدن باران به نبرد و جنگاوری است و شیهه آن نشان بارندگی می باشد که با خویشکاری بهرام مطابقت دارد. در منطقه لارستان بازان های طولانی مدت را « دم اسبی » می گویند که گویای کارکرد اسطوره ای اسب است. دیگر نماد مرتبط این منطقه با آب و باران، آب انبار است. در لارستان کلاغ نماد خوشبختی است که نمادی از باروری است که گویی به یاری ایزدان باروری می شتابد و رنگ سیاه کلاغ، نمادی از ابرهای باران زاست. در اسطوره ی باروری لارستان قربانی کردن بز به نام تیشتر در کنار چاه برای افزایش سرچشمه آب ( آناهیتا ) می باشد. در دیدگاه بومی آناهیتا فراتر از ورز او، ایندرا و تیشتر است. در لارستان برای طلب باران نماز برگزار می کنند که برای برگزاری این مراسم با پای برهنه به کوه و صحرا می روند و مراسم را برگزار می کنند، مردم دو الی سه روز، روزه می گرفتند. این مراسم کلیه دُعا نام دارد، غیر از این مراسم، آئین هایی چون « الله الله بارون بیا » و « خوشه نشان » برای باران و شکل گیری باد انجام می دادند. ( جباره ناصرو، فصلی، ۱۴۰۰: ۲۹ )

**در میان بختیاری ها** باران رحمت الهی قلمداد می نمایند و نیز موجب رونق زندگی و جوشش چشمه ها و رودها می شود و نیز کشاورزی را رونق می دهد. اسطوره های مربوط به تیشتر و آناهیتا در نزد قوم بختیاری ها جایگاه خاصی دارد که به اختصار به چند نمونه بارز آن اشاره می کنیم. ( بیرگانی، ۱۳۹۷ )

۱- هارونکی یا هل هله کوسه یا کل الیکوسه، مراسم کوسه گردانی است که یکی از آئین های نمایش است که در فصل کم بارانی نمایش می دهند. حضور کوسه در آیین های باران خواهی، متناسب به ایزد بانوی آناهیتا است. کوسه شخص قراردادی و نمادین ایزد باران است.



- ۲- سنگ های باران زا، سه سنگ به نام های « شه زلزله » که معجزه باران است ، « سنگ باد آور » بیانگر معجزه ی باد است ، « سنگ طوفان زا » معجزه ی طوفان است . بر روی این سه سنگ قوچ یا گاوی را قربانی می کنند تا سنگ ها آغشته به خون شوند و سپس سنگ ها را بلند کرده به صورت عمود قرار می دهند و ضمن نیایش ، خواستار باران می شدند .
- ۳- دابارون ، کهن مذهبی است که دعایی می خوانند . این مراسم در زمستان و بهار اجرا می شود .
- ۴- تقویم زمستان بختیاری ، در باور بختیاری ها ، روزهای زمستان تقسیم بندی می شود که این تقسیم بندی ها به احتمال زیاد تحمل پذیر کردن سرما و یخبندان است .
- ۵- چله بزرگ و چله کوچک ، چله بزرگ از اول زمستان و شب یلدا شروع می شود و چله کوچک هم بلافاصله پس از آن آغاز می شود و تا آخر بهمن و به مدت بیست روز به طول می انجامد .
- ۶- قنوش چار چار ، در زمستان ، تقسیم بندی های دیگری نیز در مورد روزها دیده می شود .
- ۷- ششه دالو ، رمز و نمادی از الهگان آب و باران است .
- ۸- چمت دالو

در **شهرستان سبزوار** در استان خراسان رضوی ، چند کشاورز در خانه ای دور هم می نشستند و ظرف بزرگی را پر از آب می کردند و تشت سوراخ شده به نام تیشیه<sup>۱</sup> را در آن می گذاشتند هرزمان پیاله پر می شد و به ته آب می رفت یگ ریگ در ظرف دیگری می انداختند. هر گاه نه بار پیاله پر می شد و خالی می شد به منزله یک هاسر (ساعت) کامل به شمار می رفت. سپس یک نفر پشت بام می رفت و با صدای بلند جار می زد و می گفت: فلانی گمار (نوبت) تو تمام شد حالا گمار دیگری است . او با شنیدن صدای کشاورز جارچی جلو آب خود را می گرفت و کشاورز دیگر که با بیل همان جا حاضر بود آب را می گرفت و به زمین های خودش بر می گرداند .

دیگر مراسم و آئین های باران خواهی در سبزوار می توان به آیین آب گیری ، مراسم مالشویی که گوسپندان خود را در ماه تیر در آب می انداختند و آن ها را می شستند و بعد از شست و شو پشم آن ها را می زدند ، غوطه خوردن و آب ریختن بر روی یکدیگر و بازی اسب چوبی نام برد .

قابل به ذکر است که نماز طلب باران هم یکی دیگر از نمودهای این اسطوره می باشد که همچنان در باورهای بومی ایرانیان را می توان دید . مراسم طلب باران یا همان باران خواهی که در اکثر مناطق ایران که خشک می باشد ، به دو صورت انفرادی و گروهی انجام می شد .

- ۱- مراسم انفرادی که به صورت انفرادی انجام می شد . مانند نوشتن دعای طلب باران و نام چهل کچل و آویختن آن بر درخت برای بارش باران ، نهادن قیچی در زیر ناودان ، وارونه گذاردن بیل در آبراه خانه ها ، انداختن تکه سنگی که از





قبرستان برداشته اند به آب ، انداختن فرد سید یا متدین در آب ، شستن پایه علم یا منبر در آب رودخانه یا چشمه ، از جمله مراسم انفرادی که در طلب باران می باشد .

۲- مراسم گروهی که خود به ترتیب زیر طبقه بندی می شوند :

رسم نمایش با نقش کوسه که قبل تر در مناطقی چون کوهمره سرخی و قوم بختیاری از آن سخن به میان آمد با نام هایی چون کوسه کلی و هارونکی ( هَل هَلَه کویا کل الیکوسه ) یاد گردید .

غیر از این مناطق ، رسم نمایشی کوسه در جاهای دیگری نام های گوناگونی دارد مانند لوک در کرمان - کوسه در سمنان ، کاشان ، فارس - کوسنگلون در ایل بصری - گلابارون در کازرون - هوانی در قم - گلی و گلینا در بوشهر - کوسه به در در کاشان . نحوه برگزاری این مراسم در بعضی مناطق با تفاوت های کوچک انجام می شده است . علامت مشخص کوسه در اکثر نقاط ایران در سال های دهه چهل و بعد از آن ، سرپوش نمدی و دو شاخ بوده است . « در نقش برجسته ایلامی کورانگون ، یک خدا یا شاه ایلامی به اتفاق همسرش ، در یک مراسم آیینی که به روشنی تطهیر در آب را می نمایاند ، نشان داده شده اند . هر دونفر ، خدا یا خدایانو یا شاه و شاه بانو ، کلاه یا تاجی که دارای دو شاخ است ، بر سر دارند . مشابه این نوع کلاه در مهرها و نقش مهرهای متعدد یافته شده در کاوش های ایلامی دیده می شود » (میرنیا، ۱۳۸۱: ۱۸۶) . این مطلب می تواند با آب و درخواست آب یا باران خواهی باشد . کوسه در واقع شخصیتی است که لباس های مندرس و کهنه می پوشد و شعر در مورد باران خواهی می خواند . کوسه که همراهانی دارد به خانه ها سر می زدند و وسایلی را جمع آوری می کردند . آن ها به خانه ریش سفید محل یا مسجد یا حسینیه ای می روند و مشغول آش پختن یا نان درست کردن می شدند . در بعضی نقاط مانند درگز خراسان به هنگامی که به در خانه ها می روند یکی از ساکنان خانه ظرفر آبی را از پشت بام بر سر کوسه می ریزند . (نگهبان ، ۱۳۷۲: ۲۰۶) بعد از آماده شدن آش و نان ، بین افراد توزیع می گردید . در زمان پخت نان ، در یکی از چانه ها سنگی قرار می دادند که این سنگ ریزه در نان هر کسی یافت می شد ، او را به باد کتک می گرفتند تا این که ضامنی پیدا شود . این کار تا زمان باران ادامه پیدا می کرد . در اینجا این مسئله جای تفعل و تامل دارد . آن مساله ضمانت است ، که موضوعی در خورتوجه می باشد . این که چه کسانی ضامن می شوند و چرا در اعتقاد مردم ضمانت این افراد مورد قبول ایزد باران قرار می گیرد ؟

« در اساطیر ما ، دو ایزد مهم آب وجود داشت ، ایزدبانوی آناهیتا و ایزد تیشتر . اما ایزد دیگری نیز بوده است که وظیفه نگهبانی از پیمان ، پاسبانی نوع بشر ، محافظت از کشت زارها و آرامش بخشی به سرزمین های ایرانی را داشته و آن ایزد مهر بود . مهر ایزد باران ساز هم بود . در یشت ها آمده که چهره اش همانند ستاره تیشتر می درخشد و او را دارنده ی دشت های فراخ دانسته که آب ها را زیاد می کند و باران می باراند . » (فرسیو، ۱۳۸۱: ۱۳)



رسم عروسک باران که بیشتر در مناطق کویری انجام می گرفت که با مراسم نمایشی کوسه شباهت دارد که مانند رسم نمایش کوسه در خیابان و کوچه به راه می افتادند، مواد غذایی جمع آوری می کردند و شعر و آواز می خواندند. نام هایی چون چولی قزک در خراسان و کرمانشاه، عصار خون در کاشان، تلانک در سمنان، گل گشنیزو در کرمان، چولی چغل در سبزوار، چمچه گلین در قم، کلوبارونی در یزد و سیستان، موشکو در زاهدان و رعینه در بوشهر. (مشیری، ۱۳۹۲: ۱۲۷) در زرنند کرمان از مترسک که تالو نام دارد جهت تالوگردانی یا همان رسم عروسک است را انتخاب می کنند. (خلعتبری، ۱۳۸۷: ۸۶) عروسک نماد بوده ای فرازمینی است و گاه آن را تصویر ایزد بانوی غله، مادر یا دوشیزه دانسته اند. عروسک یا عروس باران در واقع او واسطه است نه باران ساز، زیرا او همواره از خدا می خواهد که باران بیارد. مراسم به این شکل است که زنی مومن و متدین انتخاب کرده و عروسکی می سازد و همیشه نزد او باقی می ماند. عروسک باران چوبی است که به صورت عمودی بر یک ملاقه بزرگ بسته می شود که به صورت صلیب در می آید. به آن لباسی کهنه می پوشانند و صورت عروسک را نقاشی می کنند، سعی بر این بود که چهره آن را زشت و عبوس نشان دهند. بعد از اتمام آن عروسک به کودکان داده می شوند که در کوچه آن را می گردانند و ترانه هایی می خواندند و جلوی خانه ها ایستاده و از صاحب خانه شیرینی، آجیل، حبوبات، آرد یا سبزی می گرفتند و بر روی عروسک باران اینقدر آب می ریختند که از آن آب چکه کند. کودکان شیرینی و آجیل را بین خود تقسیم کرده و مواد دیگر را به مادرشان می دادند. مادران نیز آش پخته و بین خود تقسیم می کردند و از آن آش را به نیت باران از ناودان به پایین می ریختند. در کل مدیریت رسم عروسک باران را زنان انجام می دادند. قابل به ذکر است که رسم عروسک فقط در مناطق کویری برگزار نمی شده است، در مناطق کویری پر رنگتر بوده است. در مناطقی دیگر مانند آذربایجان که عروسک را با استفاده از آبگردان و یک صلیب و پوشاندن لباس زنانه می سازند، در کردستان که به مراسم باران خواهی «بوکه باران» یا عروس باران می گفتند دوتکه چوب را به شکل صلیب به هم می چسبانند و لباس سنتی خود را بر روی آن می پوشانند (هاشمی، گزارش مقدماتی، ۱۳۸۵) و بر آن سنجاقی نیز می بستند. در گیلان هم با بهره گیری از یک قاشق است (میرشکرایی، ۱۳۸۱: ۴۶۲) در بردسیر تنها به ساخت صورتکی اکتفا می نمودند. (برومند، ۱۳۷۱: ۲۵۱-۲۵۲) در زرنند کرمان بالای سر مترسکی که همان عروسک است و تالو نام دارد، با چوب ساخته شده است و بر آن لباسی می پوشانند و بالای سر آن زنگوله ای است که صدای آن اعلام حضور دسته تالو گردان های می باشد. (ذبیح نیا، احمدی گوهر، ۱۳۹۷: ۱۱۷) در خراسان جنوبی، مردم این خطه نیز برای اینکه نهایت عجز و استغانه و وضعیت تاسف بار خود را نشان دهند دور هم جمع می شدند و عروسکی با عنوان «اتلومتلو» را از چوب درست می کردند و لباس های کهنه و مندرس را برتن او می کردند و عروسک را در دست گرفته اند و در کوچه ها راه می رفتند و عموماً جلوی خانه متمولین محل، دسته جمعی با آهنگی موزون اشعاری را برای تمنای باران می خوانند. مراسم اتلومتلو در فهرست آثار معنوی کشور با شماره ۵۰ به ثبت رسیده است. رسم سنگ «درنک درنکو» در روستای خوراستان خراسان جنوبی یکی دیگر از مراسم های باران خواهی است



، از مراسم های دیگر استان خراسان جنوبی که برای طلب باران می باشد شامل چولی قزک در فردوس و قاینات ، هفت فاطمه در روستای کره قاینات، آتش سوزی کله خری در قاینات، خواندن نماز طلب باران و پخت غلور. (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۷) مهم ترین و جالب ترین این مراسم همان عروسک باران «اتلومتلو» می باشد ، گرچه این آیین اجرا نمی شود یا به ندرت در سال های خشکسالی زیاد انجام می شود. مراسم چولی قزک و اتلو مانند هم می باشند اما نام هایشان متفاوت است.

عروسک در حقیقت تصویر یا به عبارت دیگر روح آناهیتا ، ایزد بانوی آب هاست و مظهر باران خواهی . در آیین های باران بایستی پیوستگی میان عروسک و این ایزد بانو باشد که می تواند نقش باران سازی داشته باشد . از همین رو بسیاری ، وجود عروسک در آیین های باران خواهی ایران را نماد آناهیتا ایزدبانوی آب که ایزد آب و باروری است ، می دانند . (عاشورپور، ۱۳۸۷: ۹) بدین ترتیب بایستی تیشتر را برای باران سازی راضی کند تا باران بیارد ، چرا که او تنها به عنوان ایزد باران یاد شده است . از آن جایی که عروسک را در اشعار عروس باران می نامند ، محتملاً در باورهای نانوخته مردمانه پیوندی میان آناهیتا و تیشتر بسته شده است . گرچه در هیچ کجای متون کهن نشانی از ازدواج این دو ایزد نیست . همچنان که در باورهای مردمانه برای پربار شدن کاریزها ، آن ها را به عقد هم در می آورند و کاریزها را نر و ماده می دانستند . (نعمت طاوسی، ۱۳۹۱: ۲۷۵)

مراسم نیایش و نماز و دعای باران ، که قدیمی ترین نیایش در تیشتریشست اوستا ( پاره های ۲۳ ، ۲۴) می باشد که قربانی کردن گوسفند یک رنگ هم از آن جمله می باشد ( پاره ی ۵۸) . قربانی کردن گوسفند قبل از زردشت هم بوده است . بنا به یک متن سغدی در میان اقوام ایرانی آسیای میانه که هم دوره با اشکانیان و ساسانیان که گونه دیگری از نیایش بوده است که با آداب و رفتارهای جادویی آمیخته است .

« من به تو نماز می گذارم ای باد معطر دادگر ، باد پیروزگر نیرومند با اراده ی استوار ، عنایتی به من عطا فرما ، عنایتی بر این سرزمین مرحمت کن . آن نیرو بفرست تا ابر برخیزد و باران سودمند بریزد تا کشت زرع نیکو شود . تا گیاهان و علف های طبی بروید . تا مردم غذای سالم داشته باشند و در زیر سایه شکوه تو و نیروی تو خوشنود توانا و آرام گردند . » (بدرالزمان، ۱۳۴۸: ۱۷) ستایش که در این متن دیده می شود مانند ستایش از تیشتر به دلیل رساندن آب به کشتزارها و در نتیجه آن غلات نیکو ، محصولات دانه درشت و چراگاه به دانه های ریز ، کشتزاران زیبا می باشد . در نقلی از ابوریحان بیرونی آمده است : « در زمان پیروز ، نیای انوشیروان ، در ایران خشک سالی شد . پیروز به آتشکده ی « آذرخوار » فارس رفت و برای باریدن باران دعا کرد و نماز گزارد و پس از آن چنان بارانی بارید که آب سرآورده ی شاه را فرا گرفت . » (ابوریحان بیرونی، ۱۳۲۱: ۳۰۰)

در استان خراسان جنوبی اغلب مراسم تمنای باران ، رنگ و بوی مذهبی داشته که با راز و نیاز و تضرع به پیشگاه خداوند برگزار می شده است به طوری که در نماز طلب باران معمولاً مردم سه روز روزه می گرفتند و در بیابان و زیر آسمان با پیشوایی علمایی شاخص این خطه نماز خوانده و از خداوند طلب باران می کردند . (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۷)



در کتاب های دعایی چون مفاتیح الجنان ، مجمع الدعوات و نهج البلاغه دعاهای مخصوص باران وجود دارد . مراسم دیگری که شکل مذهبی دارد سیاه پوش کردن نخل است که به نیت باران و نبود آن عزاداری می نماید . در این مراسم حضرت اباعبدالله الحسین (ع) را ضامن نموده که به شفاعت آن امام ، بارانی از آسمان بیارد .

مراسم های دیگر باران خواهی مانند کوزه شکستن که زنان کوزه ای از آب برداشته و سپس بدون حرف زدن در کنار خانه یک سید یا فرد متدین می ایستند و کوزه آب را به دیوار زده و آن را می شکنند . بعد از شکست آن دست به دعا گرفته و برای بارش باران دعا می کنند .

سوزاندن جمجمه الاغ ، که بر روی آن دعا نوشته و سپس در آتش می سوزانند . بعد از آتش زدن جمجمه خاکستر آن را در ظرفی ریخته و به بیوه زن داده می شود . او ظرف خاکستر را به سرچشمه یا رودخانه ای می ریزد که در طول مسیرها زنان دیگر او را همراهی می کنند . مراسم الله بارونی که به مدت سه شب انجام می گردید.

در کوهستان پاریز کرمان ، در هنگام خشکسالی چند از دخترام زیبا را آرایش می کنند و سبونی پرآب به دستشان می دهند؛ آنها نیز به صورت گروهی بر سر مزاری قدیمی به نام «خاک سید» که در بالای کوه است، می روند و آب سبوها را بر خاک آن مزار می ریزند و دختران تا آمدن باران ، هر هفته ، شب های جمعه این کار را می کنند. (باستانی پاریزی، ۱۳۶۳: ۳۶۲) در ایل قرایی سیرجان ، لاک پشتی را از درختی آویزان می کنند تا باران بیاید؛ حتی به لاک پشت می گویند: «تا باران نیاید، آزادت نمی کنیم.» در عزت آباد سیرجان ، سوسکی را زیر کاسه ای مسی زندانی می کنند با این نیت که باران بیاید. (فرهادی، ۱۳۷۸: ۶۷-۶۸) در بافت استان کرمان به هنگام خشکسالی ، کشاورزان فردی را با عنوان «شاه بارون» انتخاب می کردند که مسئول اجرای مراسمی با همین عنوان بود. معمولاً کسی را انتخاب می کردند که در کودکی در آب افتاده و جان سالم به در برده است. شاه بارون نیز وزیری را برای خود بر می گزیند و سایر کشاورزان سپاهیان او به شمار می آمدند. شاه بارون کلاه پوستی یا مقوایی بلندی بر سر می گذاشت ، پوستینی وارونه می پوشید، حمایلی از استخوان های قاپ گوسفند و استخوان های دنده و شاخ گاو و قوچ بر گردن می انداخت، غربالی به طرف راست و استخوانی بزرگ و دراز به دست چپ خود می آویخت و شمشیری به دست می گرفت؛ سپس صورت خود را با آرد سفید و گونه ها را با دود سیاه می کرد. سپاهیان او را بر تخت روانی می نشاندند و تخت را بر دوش می گرفتند و شب هنگام در کوچه ها می گرداندند؛ گروهی نیز با ساز و دهل آنها را همراهی می کردند. شاه بارون در طول راه، اشعاری با مضمون باران خواهی می خواند . در سه شب که به ترتیب ، شب اول «آبگیران» ، در شب دوم «همه گران» و شب سوم «آردگیران» نامیده می شدند که در این شب ها مردم روی شاه بارون و سپاهیان آب ریخته و هیزم و آرد داده می شود. گرفتن هدیه در واقع نماد هدیه انشان به درگاه خدایان است. هدیه ها که اغلب گندم و آرد است ، خود نماد برکت و آرزوی فراوانی است. گندم و فرآورده های مرتبط با گندم ، تنها خوراک برای انسان نیست، نماد برکت هم هست. (ماسه، ۱۳۸۷: ۳۵۹)



مراسم های باران خواهی که در حوزه های متفاوت جغرافیایی و فرهنگی مراسم و آیین های گوناگونی برای تقدس باران و آب برگزار می شود ، که شکل بسیاری از آن ها با اساطیر کهن پیوند دارد.

### نتیجه گیری :

مراسم باران خواهی که خاستگاه مناطق کم باران و خشک مانند اغلب مناطق ایران است، باینگر نوعی ناتوانی انسان در مقابل قوای طبیعی است. با توجه به خشک بودن مناطق ایران ، این مراسم به نوعی تسکین روحی و اجتماعی را در جامعه حاکم ساخت. مراسم باران خواهی که در اغلب مناطق ایران برگزار می شود شاید در ظاهر متفاوت باشد اما یک وجه مشترک در بین آنها دیده می شود و آن هم نیاز و تمنای باران است که خود جلوه و نمودی از ایزد تیشتر (باران) است. این مراسم های دال بر وقوع خشکسالی در اقصا نقاط ایران می باشد و برگزاری این مراسم ها نیازهای روحی و در استحکام پیوندهای اجتماعی و همچنین زنده نگه داشتن یاد ایزد باران و اسطوره آن می باشد .

### کتابنامه

- آموزگار، ژاله: **تاریخ اساطیری ایران**، چاپ بیستم، سمت، ۱۳۹۹.
- احمدی بیرگانی ، امین: **« ششه دالونمادی از الهه آب و ایزد باران ؛ ادبیات و زبان های محلی ایران زمین »** ، سال هشتم ، شماره ۴ ، ۱۳۹۷.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم: **خاتون هفت قلعه**، تهران، نشر علم، ۱۳۶۳.
- برومند سعید، جواد: **نوروز جمشید** ، چاپ اول ، توس ، ۱۳۷۷ .
- بویس ،مری: **زردشتیان باورها و آداب دینی آن ها** ، ترجمه عسکر بهرامی ، چاپ شانزدهم ، ققنوس ، ۱۴۰۰.
- بیرونی ، ابوریحان: **آثار الباقیه**، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران، کتابخانه خیام ، ۱۳۲۱ .
- جباره ناصرو ،عظیم. حسام پور، سعید: **«اسطوره باروری و آیین های باران سازی در کوهمره سرخی»**، فصل نامه فرهنگ و ادبیات عامه، سال ۴، شماره ۸، ۱۳۹۵.
- جباره ناصرو ،عظیم. فضلی، عارف: **«اسطوره باروری و آیین های باران خواهی در لارستان»**، دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه، سال ۹، شماره ۴۲ ، ۱۴۰۰.
- خبرگزاری ایرنا ، کدخبر ۸۳۱۹۴۵۲۲، **«آلومتلو؛ آوای باران خواهی»**، ۱۴ بهمن ۱۳۹۷.
- خلعتبری لیماکی، مصطفی: **«آب، آیین ها و باورهای مربوط به آن در فرهنگ عامه»**، تهران، صداوسیما جمهوری اسلامی مرکز تحقیقات، ۱۳۸۷.
- دادور، ابوالقاسم . روزبهانی، رویا: **نقش طبیعت در شکل گیری اساطیر ایران**، چاپ اول، مهرنوروز ، ۱۳۹۷.



- ذبیح نیا عمران ، آسیه . احمدی گوهری ، فخرالسادات ، « **سیر تطور مراسم باران خواهی در منطقه دشت خاک زرنده** » ، مجله مطالعات ایرانی سال ۱۷ ، شماره ۳۲ ، ۱۳۹۷ .
- عاشور پور ، صادق : « **نگاهی به مراسم باران خواهی چمچه خاتون** » ، فصلنامه ی تئاتر ، شماره ۴۲ و ۴۳ ، ۱۳۸۷ .
- عقیفی ، رحیم : **اساطیر و فرهنگ ایران** ، چاپ دوم ، توس ، ۱۳۸۳ .
- زرشناس ، زهره . گشتاسب ، فرزانه : **تیشتریش** ، چاپ اول ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ، ۱۳۸۹ .
- فرسیو ، سهراب : « **سه رسم کهن ازدیاد آب و طلب باران** » ، فصلنامه ی فرهنگ و مردم ، شماره ۳ و ۴ ، ۱۳۸۱ .
- فرهادی ، مرتضی : **موزه های باز یافته** ، کرمان ، نشر مرکز کرمان شناسی ، ۱۳۷۸ .
- قریب ، بدرالزمان : « **طلسم باران از یک متن سغدی** » ، نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان ، شماره ۱ ، سال ۱۳۴۸ ، ۷ .
- گرین ، میرانداجین : **اسطوره های سلتی** ، ترجمه ی عباس مخبر ، چاپ پنجم ، نشر مرکز ، ۱۳۹۸ .
- مالاندرا ، ویلیام : **مقدمه ای بر دین ایران باستان** ، ترجمه خسرو قلی زاده ، چاپ دوم ، پارسه ، ۱۳۹۳ .
- ماسه ، هنری : **معتقدات و آداب ایرانی** ، ترجمه مهدی روشنی ضمیر ، تهران ، انتشارات شفیعی ، ۱۳۸۷ .
- مشیری ، ژیللا : « **مراسم طلب باران در حوزه کویری ایران** » ، مجله انسان شناسی ، سال یازدهم ، شماره ۱۹ ، ۱۳۹۲ .
- میرنیا ، سید علی : **فرهنگ عامه مردم خراسان** ، مشهد ، سخن گستر ، ۱۳۸۱ .
- میرشکرای ، محمد : **کوسه گشنیز و عروسک های باران** ؛ در سروش پیر مغان یادنامه در باب جمشید سروشیان ( مجموعه مقالات ) ، به کوشش کتابیون مزداپور ، تهران ، ثریا ، ۱۳۸۱ .
- نگهبان ، عزت الله : **حفاری هفت تپه دشت خوزستان** ، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور ، ۱۳۷۲ .
- نعمت طاوسی ، مریم : « **رومژگشایی پاره های آیین های باران خواهی ایران** » ، مجله مطالعات ایرانی ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، سال ۱۱ ، شماره ۲۱ ، ۱۳۹۱ .
- نیکوبخت ، ناصر . دیگران : « **مقایسه ایزدان آب در اسطوره های ایران و ویتنام** » ، فصلنامه ی ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی ، سال ۸ ، شماره ۲۹ ، ۱۳۹۱ .
- هاشمی ، واریا : « **بوکه باران** » ( گزارش مقدماتی ) ، تهران ، پژوهشگاه میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری ، پژوهشکده هنرهای دستی ، ۱۳۸۵ .
- یشت ها ۱ و ۲** ، ترجمه ابراهیم پورداود ، چاپ دوم ، نگاه ، ۱۳۹۹ .